

تحلیل نقش اعتقاد به تکامل هستی و معاد در سازگاری زناشویی: بررسی تطبیقی دیدگاه شناختی و اسلام

محبوبه موسائی بور*

چکیده

از مهمترین کارکردهای اخلاقی خانواده که نقش اساسی در رضایت از زندگی، حفظ و تحکیم روابط افراد در درازمدت دارد؛ سازگاری زناشویی است. عوامل مختلفی در شکل‌گیری سازگاری زناشویی نقش دارند؛ پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی دیدگاه شناختی در روان شناسی و اسلام به تاثیر نقش اعتقاد به تکامل هستی و معاد در سازگاری زناشویی با روش تحلیلی استنتاجی پرداخته است. هرچند، نوع نگاه هستی‌شناختی و معادباوری در اسلام، گرایش و رفتار هر مسلمان را متفاوت از دیدگاههای انسان‌گرایانه محض می‌کند؛ اما لازمه پایداری این نگاه در زندگی برای تحول از ظرفیت‌های موجود به الگوی مطلوب، ایجاد سازگاری نگرشی یا داشتن مراقبه و تعهد‌اخلاقی نسبت به این اعتقاد است که به قابلیت از خودفراروندگی منجر شود؛ این مهارت به نوبه خود سبب می‌شود تا فرد حتی در شرایط ناگزیر از رنج، قدرت انطباق و مهارت برقراری رابطه سالم و مسالمت‌آمیز با همسر داشته، بتواند با ایجاد احساس ارزشمندی دراو، سازگاری زناشویی را تحقق بخشد.

واژگان کلیدی

تکامل هستی، معاد باوری، سازگاری زناشویی، مسلمان، دیدگاه شناختی.

m.mousaeipour@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۵

*. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۳

مقدمه

خانواده کانون مهر و محبت، تربیت و مبنای شکل‌گیری زندگی اجتماعی انسانهاست. آنچه در تحریک خانواده و یگانگی زن و مرد نقش بیشتری بر عهده دارد، سازگاری زناشویی است. بهمین دلیل بررسی مسئله سازگاری زناشویی از جهات گوناگون امری مهم است، زیرا اگر یک زوج در روابطشان با یکدیگر نتواند به یک توافق نسبی و سازگاری برسند، کارکردهای خانواده مختلف می‌شود. این اصطلاح با بسیاری از اصطلاحات دیگر همچون «رضایت زناشویی»، «شادکامی زناشویی»، «موفقیت زناشویی» و «ثبات زناشویی» مرتبط است. بهطور کلی ناسازگاری در زندگی زناشویی از مهم‌ترین عواملی است که رابطه زوجین را سرد و فاقد صمیمت ساخته و کانون گرم خانواده را با تنش و آشفتنگی همراه می‌سازد. (یالسین و کارابان، ۲۰۰۷: ۳۶ - ۴۴)

تأثیر عوامل مختلف بر سازگاری زناشویی مورد مطالعه قرار گرفته است، از جمله این عوامل نگرش‌ها و کارکردهای حوزه «شناختی» است. بورگس و کاتریل (۱۹۳۶) بیان کردند که یک رابطه زناشویی با سازگاری خوب، رابطه‌ای است که نگرش‌ها و اعمال هریک از همسران، محیطی را چهت عملکرد مناسب ساختارهای شخصیتی هر فرد فراهم می‌کند؛ (آن، ۲۰۰۶: ۱۲۶) ایس (۱۹۷۵) معتقد است عامل تفکرات غیرمنطقی و انعطاف‌ناپذیری تفکر علت اصلی اختلاف‌ها در روابط زوج‌ها است؛ (مؤمن‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۰ - ۱۷۰) برخی روان‌شناسان تأکید می‌کنند شواهد بسیاری نشانگر این واقعیت است که مکانیسم‌های شناختی بر سازگاری و رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارند و بهمین دلیل معتقدند که زندگی زناشویی از گزند تفکرات غیرمنطقی مصون نمی‌باشد؛ (برشتاین، ۱۳۷۷: ۸۶) تحقیقات تروکس و پل (۱۹۹۲) نیز نشان می‌دهد که باورها یک عامل شناخته‌شده در بروز اختلاف‌های زناشویی است. (مؤمن‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۷۵ - ۱۷۰)

مطالعات بسیاری نیز به بررسی میزان تأثیر مسائل معنوی با سازگاری زناشویی پرداخته و نشان دادند افرادی که در سطح بالاتری از معنویت قرار دارند، نسبت به افراد با سطح پایین‌تر، معنویت و ثبات زناشویی بیشتری دارند و از ازدواج خود راضی‌ترند. (سولیوان، ۲۰۰۱: ۶۲۶ - ۶۴۰؛ مارش و دالاس، ۲۰۰۱: ۳۶۰ - ۳۴۳؛ بوسینگ و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۰۰)

در پژوهشی دیگر دین‌داری، مهم‌ترین عامل در سازگاری زناشویی گزارش شده است. (دماریس و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۲۷۸ - ۱۲۵۵) زوهر معتقد است که هوش معنوی، زاینده بینی‌شی عمیق در واقعیت زندگی است و شخص را در برابر حوادث زندگی مقاوم می‌کند و به‌وسیله آن، افراد به مشکلات معنایی و ارزشی پرداخته و آن را حل می‌کنند. بهعبارت دیگر معنویت بالای همسران با رضایتمندی زناشویی و تعهد زناشویی مرتبط است. (آگات و همکاران، ۲۰۰۷: ۷۵ - ۵۱) همسران معنوی، رفتارهای مذهبی، عقاید و ارزش‌های مذهبی مشترکی دارند که می‌تواند با کیفیت زندگی زناشویی، انسجام و سازگاری زناشویی مرتبط باشد. (لامبرت و دولاهیت، ۱۴۰۸: ۶۱۴ - ۵۹۲) همچنین تحقیقات نشان داده است که سلامت جسمانی و روانی انسان با زندگی معنوی او رابطه مثبت دارد و افرادی که اعتقادات مذهبی قوی‌تری دارند، سازگاری بهتری با موقعیت‌های زندگی نشان می‌دهند. (کوئینک، ۲۰۰۴: ۸۲ - ۷۶)

افراد معنوی در روابط زناشویی به ابعاد مثبت روابطشان تمرکز می‌کنند؛ به این معنی که زوجین معنوی سعی می‌کنند از موقعیت فعلی زناشویی‌شان، یک هدف و معنا بسازند و از این طریق، انسجام و سازگاری را در روابط زناشویی تقویت کنند. (کرکری و همکاران، ۲۰۱۱: ۳۶۲ - ۳۴۵) نتایج پژوهشی که با عنوان بررسی ارتباط بین مذهب و ازدواج بر سلامتی، به تأثیر مذهب بر سلامتی هریک از زوجین پرداخته شده نیز نشان می‌دهد که سازگاری زناشویی بر اثر آموزش معنویت افزایش می‌یابد. (گراهام، ۲۰۱۱: ۱۶۴)

اینکه باورها و معنویات یا بهعبارت دیگر بینش‌ها و شناخت‌ها، چگونه بر سازگاری زناشویی تأثیر می‌گذارند، سؤال مهم این پژوهش است که بهطور خاص به برخی نگرش‌های دین اسلام می‌پردازد. به دیگر سخن، تبیین تأثیر و نقش مهم نگرش‌ها و باورهای انسان مسلمان در سازگاری زناشویی، در دنیای امروزی که الگوهای متعدد و گاهی ضد دینی ملت‌ها و جوامع دیگر بهسرعت در حال ورود و امتحان از سوی قشر جوان جامعه ما است، جهت ارائه و تأکید بر کارایی مبانی فکری اسلام بهعنوان بهترین الگو برای شالوده‌سازی، طراحی و انتخاب بهترین شیوه زندگی ضروری بهنظر می‌رسد.

هرچند مبانی فکری اسلام در حوزه هستی‌شناسی، با گزاره‌های متعدد توصیفی از هستی و سیر انسان باد می‌شود، در این مقاله سعی شده تا جایگاه مقوله‌های اعتقاد به اصل تکامل هستی و معاد، در سازگاری زناشویی همسران مسلمان، مورد تحلیل و تطبیق روان‌شناختی قرار گیرد.

- سؤالات مهم این پژوهش عبارتند از:
- اعتقاد به تکامل هستی و نوع نگاه به مقوله مرگ در جهان‌بینی اسلامی چگونه است؟
 - اعتقاد به تکامل هستی و معادبازی، از دیدگاه شناختی چگونه منجر به سازگاری زناشویی همسران مسلمان، می‌شود؟

تعريف مفاهیم اصلی سازگاری زناشویی^۱

سازگاری زناشویی، فرایندی اخلاقی است که روان‌شناسان آن را زیربنای عملکرد خوب خانوادگی، تسهیل‌گر نقش والدینی و سبب رشد اقتصادی و رضایت بیشتر از زندگی می‌دانند. سازگاری زناشویی، وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر موقع، احساس خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند. (گاتمن، ۱۹۹۳: ۵۷؛ دورانا، ۱۹۹۷: ۹۴) ^۲ اسپانیز سازگاری زناشویی را فرایندی تعریف می‌کند که پیامدهای آن با میزان اختلافات مشکل‌آفرین زوج‌ها، تنش‌های بین فردی، اضطراب فردی، رضایت زوج‌ها از یکدیگر، انسجام و بهم پیوستگی آنها و همکری درباره مسائل مهم زناشویی مشخص می‌شود. سازگاری زناشویی به سازگاری کلی فرد کمک می‌کند و همسرانی که از سازگاری زناشویی بالایی برخوردارند، عزت نفس بیشتر دارند و در روابط اجتماعی سازگارترند. (گانگ، ۲۰۰۰: ۱۵۲) گریف معتقد است که زوج‌های سازگار، زن و شوهرهایی هستند که توافق زیادی با یکدیگر دارند و از نوع و سطح روابط خود راضی هستند (گریف، ۲۰۰۰: ۹۴۸)

پس این پدیده، اصل اخلاقی پویایی است که شاید در هر نقطه‌ای از زمان، روی یک پیوستار از کاملاً سازگار تا ناسازگار ارزیابی شود. بدین ترتیب، سازگاری زناشویی مفهوم اخلاقی چند بعدی است که نسبت به رضایت زناشویی از ویژگی‌های عینی‌تری برخوردار است.

تکامل هستی و جهت تکاملی پدیده‌های آن

عالّم در جهان‌بینی اسلامی واقعیت متغیر و متحرک، بلکه عین حرکت است؛ براین اساس هستی مبتنی بر غایتی الهی است و عبث آفریده نشده است؛ هیچ موجودی در این جهان، ثابت و یکنواخت نیست، دائمًا منزل و جایگاه عوض می‌کند و بهسوی مقصودی روان است. (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۰۳)

تأثیر تبیین علت غایی در تفسیری که از جهان خلقت ارائه می‌شود، قابل انکار نیست. در اهمیت شناخت علت غایی، ملاصدرا غایت مابعدالطبعی را استکمال نفس انسانی می‌داند؛ به‌گونه‌ای که نظام وجود، در نفس انسانی نقش بندد. (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ۱ / ۳۷ - ۳۸؛ ۲ / ۳۲۸) از این‌رو از منظر او، بررسی علل غایی، برترین جزء حکمت محسوب می‌شود. (همان: ۲ / ۲۷۰)

اگر موجودات و کل هستی، دارای تمام کمال‌های وجودی خود باشند و هیچ کمبودی از لحاظ فعالیت‌های متناسب خویش نداشته باشند، حرکتی وجود نخواهد داشت؛ چراکه قوه و استعداد در آنها نیست تا از آن رها شوند و کمالی را که فاقد آن نیستند با کوشش به آن برسند؛ جهان هستی که حدوث زمانی دارد، عین حرکت است و هدفی دارد؛ زیرا حرکت بدون هدف محال است. نمی‌شود چیزی حرکت کند و تمام سمت‌ها و جهت‌ها برای او یکسان باشد و رابطه ویژه‌ای با هیچ کدام از آنها نداشته باشد؛ بنابراین برای هر حرکتی پایان و هدفی خاص وجود دارد که قبل از رسیدن به آن پایان و هدف مخصوص، سیال، و با رسیدن به آن، ثابت می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۶۳: ۱۸۲ - ۱۸۱) از منظر اسلام، پدیده‌ها با نیروی مرموزی که درون‌شان هست، بهسوی کمال‌شان کشیده می‌شوند. این نیرو همان است که از آن به هدایت الهی تعبیر می‌شود. با این اوصاف، جهان، واقعیت هدایت‌شده، و تکامل جهان، تکامل هدایت‌شده است. (مطهری، بی‌تا: ۲۱۸ - ۷۷)

در مبانی فلسفی اسلام، نفس انسانی در سیر تکامل جوهری خویش هسته‌ای بسیط و ممتد است که مراحل مختلف حیات را به طور پیوسته و تدریجی سپری می‌کند تا به نهایت و غایت آفرینش خود برسد؛ چراکه حقیقت حرکت چیزی جز

1. Marital adjustment.
2. Gottman, Durana.

حصول تدریجی یا همان خروج تدریجی از قوه به فعل نیست. (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۳/۲۲) قرآن کریم هدف از آفرینش انسان را کمال و رشد روح او می‌داند و بیان می‌دارد که انسان برای رسیدن به این تکامل، افزون بر علم و عمل، باید ملکات اخلاقی را در خود شکوفا سازد (مائده ۴۸) تا مراحل انسانیت را تا مقام خلافت و مظہریت اسمای حسنای الهی و تخلق به اخلاق الله پیماید و به مقام انسان کامل صعود نماید.

در هستی‌شناسی اسلامی، هیچ حرکت و فعلی بی‌غايت نیست. اگر فعلی فاقد غایت باشد، این فقدان تنها به لحاظ برخی مبادی آن است؛ بنابراین فعل عبث نیز بی‌غايت نیست هرچند غایت آن امری خیالی و موهوم باشد. این سینا در اشارات بهویژه در نمط ۵ «غايات و مبادی» و نمط ۴ «علل هستی» و ملاصدرا نیز در اسفار و شواهد الروبیه، مشهد اول، اشراق رابع، اهمیت این بحث را مذکور شده‌اند.

این نکته در هستی‌شناسی، انسان را وامی‌دارد که فلسفه وجودی خویش و هدف آمدن و رفتن خود را بداند و در مسیر تعالی روحی خویش قدم بردارد و بداند که در نظام غایتمحور، أحسن و هماهنگ، همه اختلافات و تفاوت‌ها نیز هدفمند و در راستای همان غایت حقیقی ایجاد شده‌اند.

مفهوم مرگ

میان موجودات تنها انسان است که مفهوم وجود را درک می‌کند و از هستی خویش آگاه است؛ همان‌طور که هستی برای انسان یک امر بدیهی است، نیستی نیز همراه با تصور هستی در ذهن انسان وجود دارد. از این جهت انسان نه تنها از وجود خویشن آگاه است، عدم خود را نیز به‌طور واضح حس می‌کند؛ «اضطراب» و «نگرانی» انسان، نتیجه همین آگاهی از وجود و عدم است. (شریعتمداری، ۳۷۹: ۳۵۸) و شاید انتخاب نام «یقین» برای مرگ در دو آیه از آیات قرآن (حجر / ۹۹) و (مدثر / ۴۶ - ۴۷)، اشاره به همین حقیقت است. (مکارم شیرازی، ۲۱: ۱۳۷۸)

معاد باوری در اسلام

در دیدگاه اسلام، جدایی ناپذیری مرگ و زندگی به‌مثابه یک اصل بنیادین هستی که دارای مبانی ژرف فلسفی نیز هست، تلقی می‌شود. در این دیدگاه جهان، مجموعه‌ای از غیب و شهادت است و هستی، منحصر به این دنیا نیست بلکه بعد از زندگی این دنیا، زندگی دیگری وجود دارد که دارای اهمیت و اصالت است، بنابراین زندگی با مرگ به نتیجه می‌رسد و از طریق همین نتیجه‌گیری معنا می‌شود. تنها در مرگ است که می‌توان به شناخت زندگی، همچون یک کل نائل شد. رابطه دنیا و آخرت رابطه‌ای است که اول و آخر انسان در یک مسیر قرار دارد و درحقیقت دنیا و آخرت دو چهره یک واقعیت است. عالم آخرت، عالم ظهور و بروز باطن‌ها و تجسم اعمال انسان‌ها است. آدمی درواقع حقیقتی برای خود می‌سازد که در این عالم نمی‌تواند به آن پی‌برد، اما در آخرت کاملاً آن حقیقت، آشکار می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۵۸)

زندگی دنیا برخلاف زندگی آخرت فانی و زودگذر است. انسان در آن عالم با کمالات واقعی که خود از راه ایمان و عمل صالح کسب کرده، زندگی می‌کند. کمالات واقعی مسئله مهمی است که اشتغال به آن، آدمی را از منافی باز نمی‌دارد چراکه غیر از آنها واقعیت دیگری نیست؛ پس آخرت، حیاتی واقعی است، و این است معنای اینکه خدای تعالی می‌فرماید: «این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می‌دانستند». (عنکبوت / ۶۴ طباطبایی، ۱۴۱۲: ۱۵۴) انسان در برابر مرگ، موظف است که از زندگی، حداکثر بهره را بگیرد و نگذارد حتی فرصتی هم از دست بروم، زیرا که مجموع این فرصت‌ها سازنده کل زندگی هستند (فرانکل، ۱۳۶۶: ۱۹۷) انسان همان‌گونه که خواستار سامان‌بخشی‌اند به زندگی خویش است، می‌خواهد مرگ خود را نیز انتخاب کند، بیهوده نیست که سقراط همه فلسفه را تأمل بر مرگ می‌شمارد. (ر.ک: سی گاتری، ۱۳۷۸) با کسب آگاهی از مرگ می‌توان، شناخت خود را از زندگی ژرف ایمان و با آمادگی در برابر آن، با جهان و مردم، پیوندی عمیق برقرار کرد. پس مرگ را هم، باید آموخت و غفلت از این اصل بی‌تردید موجب تنزل هستی می‌شود.

۱. وَمَا هَلَّدَ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوَ وَلِيُّ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهُ الْحَيَاةُ.

در جهان‌بینی اسلام، مرگ با اصل معاد، پیوندی ناگسستنی دارد و آنچه این پیوند را مستحکم می‌کند بقای روح، پس از مرگ است. ایمان به زندگی جاوده و جیات اخروی که در اصل معاد متجلی می‌گردد پس از توحید، مهم‌ترین اصلی است که از سوی پیامبران الهی مورد تأکید قرار گرفته است.

در فرهنگ قرآن، مرگ به معنای وفات است نه فوت. زیرا فوت، به معنای زوال و نابودی است اما وفات به مفهومأخذ تمام و انتقال از عالمی به عالم دیگر است. از آنجاکه تمام وجود انسان با مرگ در اختیار فرشتگانی قرار می‌گیرد که مأمور توفی و استیقای جان انسان هستند؛ لذا با مرگ و مردن، چیزی از حقیقت انسان گم با کم نمی‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۷۵ / ۴ : ۲۹۱)

جایگاه اعتقاد به اصل تکامل و مرگ‌اندیشی در سازگاری زناشویی

یکی از موضوعات مهم و مورد بحث در علم روان‌شناسی، «رفتار» است. به طوری که برخی، علم روان‌شناسی را رفتارشناسی نامیده‌اند؛ زیرا در این علم، رفتار موجودات زنده به ویژه رفتار انسان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در هر موجود زنده دو خاصیت اساسی «ادراک» و «حرکت ارادی» وجود دارد. در انسان نیز به عنوان موجود زنده، این دو خاصیت به صورت گستردگر و پیچیده‌تر و عمیق‌تر وجود دارد: یکی دستگاه ادراک و دیگری دستگاه اراده. در حوزه ادراک، علم و شناخت دخیل است که به «بینش» تعبیر می‌شود و در اراده، عاطفه، رغبت و انگیزش نقش دارد که به «گرایش» تعریف می‌شود. این دو عامل اساسی، یعنی «بینش» و «گرایش» موجب پیدایش «کشن» یعنی رفتار می‌شود. (عظیمی، ۱۳۷۰ : ۳۰)

امروزه روان‌شناسان شناختی، به مطالعه ادراک، یادگیری، یادسپاری و تفکر افراد در باره اطلاعات می‌پردازند و اصل را بر شناخت در انسان می‌دانند. براین اساس، لازروس و اسمیت (۱۹۹۳) تأثیر شناخت را بر هیجان مطالعه کرده‌اند. (استنبرگ، ۱۹۸۷ : ۱۰۲) به عنوان مثال براساس دیدگاه بک (۱۹۷۶) یک رویداد یا محرک، ابتدا باید مورد توجه قرار گیرد، بازشناسی شده و طبقه‌بندی گردد و سپس هماهنگ و همسو با نوع شناخت به دست آمده و ارزیابی فرد، پاسخ عاطفی ابراز گردد؛ بسیاری از نظریه‌پردازان شناختی نیز به این مسئله تأکید ورزیده‌اند. (به عنوان مثال: هاوتون و همکاران، ۱۹۸۹)

درواقع دیدگاه زیربنایی‌الگوی شناختی، این است که رویدادهای ذهنی (پرون باورها و اعتقادات) می‌توانند علت رفتار باشند و اگر این رویدادها تغییر کنند، تغییر رفتار در پی آن خواهد آمد. (روزنها و سلیگمن، ۱۳۷۹ / ۱ : ۱۷۸) به همین علت روان‌شناسان از فرایند دیگری به نام «سازگاری نگرشی» صحبت می‌کنند و بیان می‌دارند اینکه آیا فرد با وضعیت‌های مختلف زندگی کنار بیاید یا منغulanه برخورد کند، عمدتاً بر نگرش شخصی او به آن وضعیت بستگی دارد. بنابراین سازگاری نگرشی از اهمیتی فوق العاده در زندگی برخوردار است.

«سازگاری نگرشی» به هسته مرکزی شخصی، توانایی ذهنی و سرشت عمیق انسان و نقطه‌ای که نگرش‌های اساسی از آنجا، فرد را به عنوان یک کل، تحت تأثیر قرار می‌دهند، اشاره می‌کند. هدف از «سازگاری نگرشی» اصلاح نگرش‌های بیماری‌زاست، و این نکته به ویژه در مواردی ضرورت می‌باشد که مشکلاتی که این نگرش‌ها را موجب شده‌اند، توانند به خودی خود تغییر یابند. (ریدل و همکاران، ۲۰۰۲، به نقل از: هیلمن، ۲۰۰۴ : ۳۶۹) به گفته لوکاس (۱۹۹۸) چیزی که لازم است آن را بشناسیم و به آن دست یابیم عبارت از یک نگرش نیرومندتر، تصحیح‌شده، از لحاظ اخلاقی ارزشمندتر و امیدوارانه‌تر است. (همان)

درست به همین دلیل پژوهش‌ها نشان می‌دهد، نگرش‌های مذهبی می‌توانند در زندگی زناشویی، معنایی محوری برای ازدواج باشند. (ماهونی، ۲۰۰۳ : ۲۳۰ - ۲۲۰) بسیاری از روان‌شناسان - همچون هانلر و گچوز - معتقد‌اند، نگرش مذهبی می‌تواند در ارتباط زناشویی مؤثر باشد. زیرا مذهب، شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه‌دهنده سامانه باورها و ارزش‌های است که این ویژگی‌ها می‌توانند زندگی زناشویی را متأثر سازند. (خدایاری فرد و دیگران، ۱۳۸۶ : ۶۱۱ - ۶۲۰) هنگام ازدواج، زوج‌ها می‌توانند از نگرش‌های مذهبی به متابه «محفظه‌ای امن» در تعارضات زناشویی استفاده کنند. (لامبرت و دولاهیت، ۲۰۰۶ : ۴۴۹ - ۴۳۹) اغلب زوج‌هایی که نگرش‌های مذهبی مشترک دارند، به تعارضات‌شان روش‌تر نگاه کرده‌اند، می‌توانند به طور متقابل مشکلاتی را که در رابطه زناشویی‌شان به وجود می‌آید، برطرف سازند. همچنین ارزش‌های مذهبی می‌توانند باعث شوند زوج‌ها مذهب را به منزله نقشهٔ مسیرهای زناشویی بدانند، مذهب نیز آنان را در روابط جنسی، نقش‌های جنسیتی و فدایکاری در ازدواج راهنمایی می‌کند. (ماهونی، ۲۰۰۳ : ۲۳۶ - ۲۳۰)

روان‌شناسان معتقدند، به‌سبب داشتن ارزش‌های مذهبی، زوج‌ها اغلب به‌سوی «مقدس کردن» ازدواج‌شان پیش می‌روند و آن را به لحاظ کیفی از همه رابطه‌های دنبیوی جدا در نظر می‌گیرند. (پرگامن و ماهونی، ۲۰۰۵: ۱۹۸ – ۱۷۹) آنان قابلیت و پدیده‌ای روحانی در انسان با نام «از خود فراروندگی» را مطرح کرده و این واقعیت انسان‌شناختی بنيادین را متذکر می‌شوند که انسان بودن یعنی حرکت مداوم به‌سوی فراتر از خود؛ به‌سوی چیزی که دقیقاً همان خود کنونی نیست؛ به‌سوی چیزی یا کسی، به‌سمت یک فرد تحقیق می‌یابد. به میزانی که فرد، خود را به شوهای ازاین دست، تعالی می‌بخشد و استعدادهای خود را در وصول به یک هدف، به فعلیت می‌رساند. (هیلمن، ۳۶۹: ۴۰۰)

افراد در «از خود فراروندگی» برای کامل کردن قابلیت انسانی، با نفس خویش، دست‌وینجه نرم می‌کنند و از هر خودمحوری روان‌آزدمواری اجتناب می‌نمایند. این امر در سلامت روان‌شناختی آنها از اهمیت بسیاری برخوردار است و از آنجاکه شناخت‌ها بر رفتارها اثر می‌گذارند؛ این توانایی منجر به «سازگاری» یا «سطح انتباط» می‌شود که به عنوان فرایند میزان منطبق ساختن رفتار (فرد) با انتظارات اطرافیان و جامعه، تعریف می‌شود. (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵: ۳۰) چون فرایند سازگاری، مهارت برقراری رابطه سالم و همسوی مسلمت‌آمیز با دیگران و توانایی وفق دادن شخص، نسبت به محیطی است که بدان تعلق دارد (ساعتچی، ۱۳۶۸: ۵۰۰) و نیز به مجموعه فعالیت‌هایی که باعث هماهنگی با نیازهای مقطعی می‌گردد؛ نیز، گفته می‌شود؛ (بورمقدس، ۱۳۵۶: ۲) از این جهت روان‌شناسان، سازگاری فرد در برابر محیط را از جمله ویژگی‌های اخلاقی شخصیت پهنجار تلقی نموده‌اند که منجر به زندگی مشحون از صلح و آرامش در محیط می‌شود (اتکینسون و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۲۱) و آن را سنتگ‌بنای عملکرد خانواده و تسهیل‌کننده ایفای نقش والدین می‌دانند. (کومز، ۹۷: ۱۹۹۱)

برخی خصوصیات اخلاقی فرد سازشگر عبارت است از: احساس خوشبختی، ارضای نیازهای عاطفی، ایجاد احساس ارزشمندی و حمایت در یکدیگر و تلاش در مسیر شکوفاسازی استعدادهای طرف مقابل. (شوماخر، ۲۰۰۵: ۳۰ – ۲۸) از آنجاکه جریان سازگاری با بروز نیاز انسان به همراهی و دوری از تنش شروع می‌شود و با حرکت به‌سوی تعادل، کامل می‌شود، (همان) بنابراین او را در وصول به اهداف عالی ازدواج همچون آسایش تن، آرامش و تعالی جان و روان یاری می‌رساند؛ بنابراین همراه با این سازگاری، «سازگاری زناشویی» به طور خاص به‌وقوع می‌پیوندد. زیرینای عملکرد خوب خانوادگی، تسهیل نقش والدین و سبب رشد اقتصادی و رضایت بیشتر از زندگی می‌شود.

زوهه (۲۰۱۲) معتقد است که گرایش معنوی، زاینده بیشی عمیق در واقعیت زندگی است و شخص را در برابر حوادث زندگی مقاوم می‌کند؛ همچنین مشخص شده است که معنویت بالای همسران، با رضایتمندی زناشویی مرتبط است. (آگات و همکاران، ۲۰۰۷: ۷۵ – ۵۱) همسران معنوی رفتارهای مذهبی، عقاید و ارزش‌های مذهبی مشترکی دارند که می‌تواند با کیفیت زندگی زناشویی، انسجام و سازگاری زناشویی، مرتبط باشد. (لامبرت و دولاهیت، ۲۰۰۸: ۶۱۴ – ۵۹۲) ماهونی و دیگران بعد از بررسی تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که عمل به باورهای دینی موجب افزایش مشارکت کلامی، افزایش میزان شادکامی، کاهش چشمگیر پرخاشگری کلامی و تعارض‌ها و اختلافات زناشویی شده و در نهایت سبب فزونی رضایتمندی زناشویی می‌گردد. (ماهونی و دیگران، ۹۷: ۲۰۰۴)

کوئینگ نیز در تحقیقی نشان داده است که سلامت جسمانی و روانی انسان با زندگی معنوی او رابطه مثبت دارد و افرادی که اعتقادات مذهبی قوی‌تری دارند، سازگاری بهتری با موقعیت‌های زندگی نشان می‌دهند. (کوئینگ، ۸۰: ۸۲ – ۲۰۰۴) در تحلیل درون‌دینی و با نگاه اسلامی از مبانی نظام وسیع ارزش‌های مذهبی که هریک به‌نوبه خود نقش مهمی در ساختار نگرشی فرد مسلمان در مقوله‌های مختلف زندگی دارند، نوع نگاهی که او به خود و به هستی و به پایان زندگی این دنیاگی دارد، سبب می‌شود تا دایره خاصی از بینش‌ها و باورها شکل گیرد که این باورها به‌نوبه خود گرایش معنوی فرد را تحت تأثیر قرار داده، باعث می‌شوند تا جهت‌گیری عاطفی متفاوتی در انتخاب همسر داشته و پس از آن، رفتارهای او در زندگی مشترک با همسر نیز، منطبق با چارچوب پذیرفته شده ذهنی اش یا به عبارت دیگر، حوزه شناختی اش باشد. به دیگر سخن، هر چند مبانی فکری و فلسفی اسلام پیرامون سیر تکاملی هستی و سرانجام انسان در جای جای زندگی همسران چه در حوزه رفتاری و چه حوزه عاطفی نقش اساسی ایفا می‌کند؛ اما نقش محوری این رویکرد، در جهت‌گیری معنوی متفاوتی است که هریک در بدو امر، نسبت به مسئله ازدواج، همسر و تشکیل خانواده پیدا می‌کنند.

به لحاظ شناختی، اسلام برخلاف مکاتب دیگر از روزنه امیال و خواسته‌های مادی به انسان نمی‌نگرد، ازاین‌رو در

خانواده اسلامی، امیال و هواهای انسان، محور نیست چراکه براساس اصل تکامل و چهتدار بودن کل هستی از جمله زندگی انسان، او می‌آموزد که در مسیر زندگی حرکتش بهسوی کمال مطلق است، براین اساس به همسر خویش در زندگی مشترک به مثابه یک انسان مکمل، یک روح تعالی‌بخش، یک مبدأ آرامش در مسیری هدفمند و حساب شده می‌نگرد که باید بیشترین سازگاری و تفاهem را با او داشته باشد.

شهید مطهری می‌فرماید:

اسلام ازدواج را مقدس می‌داند و به آن جنبه اخلاقی می‌دهد، با اینکه یک امر شهوانی است، و این تنها امری است که با وجود اینکه پایه طبیعی و شهوانی دارد، جنبه اخلاقی نیز دارد. هر غریزه‌ای که اشیاع شود، اشیاع آن تأثیری در معنویت انسان ندارد جز غریزه جنسی. لذا ازدواج از نظر اسلام، سنت و مستحب تعبیر شده است. یکی از علل آن، این است که ازدواج اولین قدمی است که انسان از خودپرستی و خوددوستی به سوی غیردوستی پرمی‌دارد. تجربه نشان داده است که افرادی که در تمام عمر به علت هدفهای معنوی، مجرد زندگی کرده‌اند، در همه آنها یک نوع نقص ولو بهصورت یک نوع خامی وجود داشته است. (مطهری، ۱۳۷۴: ۳۹۷ - ۲۴۸)

اسلام به‌طور خاص، مباحث بسیاری درباره ارزش‌شناسی دینی ازدواج به عنوان پدیده‌ای مهم در هستی، مطرح کرده است، به‌طوری که بسیاری از آیات قرآن و متون روایی و اخلاقی به‌طور مستقیم درباره جنبه‌های شناختی و نگرشی ازدواج، نکاتی را بیان داشته‌اند؛ به عبارت دیگر، اخلاق همسرداری در متون اسلام، مبتنی بر یک نظام فکری متعالی و فلسفی است که ضرورت رعایت و عمل به اصول اخلاقی را توجیه می‌کند و توصیه‌های ارزشمند آن، همگی در راستای ایجاد سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی است.

خداآنده در قرآن، ازدواج را مایه آرامش انسان می‌داند. (روم / ۲۱) مینا و محور زندگی مشترک را در همه حال حتی در موارد نامالایمات و سختی‌های زندگی بر پایه اصول اخلاقی مهمی چون تکریم همسر، احترام به او، گذشت و مدارا و عفو بیان می‌کند. (نساء / ۱۹ و ۲۸؛ تغابن / ۴؛ بقره / ۲۳۷) از همه مهم‌تر در مسائل مختلف زندگی، بر زودگذر بودن زندگی و توجه به آخرت و یاد خدا تأکید دارد؛ (منافقون / ۶؛ تحريم / ۹۶) متون روایی و اخلاقی نیز در این زمینه با بیان مصاديق و بسط این اصول، بر عملیاتی کردن الگوی شناختی اسلام، در رفتار و فرهنگ‌سازی خانواده اسلامی تأکید دارند؛ رسول خدا^۱ تشکیل خانواده را یکی از سنت‌های خود دانسته، مردم را به پیروی از این سنت نیکو فرامی‌خواند: «ازدواج سنت من است، هر کس از آن سریچی کند، از من نیست». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۰)

پیامبر اسلام^۲ دوری از ازدواج را عامل اساسی انحراف و گناه، و ازدواج را موحد ایمان و تقوا در انسان دانسته، می‌فرماید: «تشکیل خانواده بده، و گرنه گناه کار، از دنیا خواهی رفت»؛ (همان: ۱۰۳: ۲۲۱) آن حضرت^۳ تشکیل زندگی مشترک را بزرگ‌ترین بنای اسلام قلمداد می‌نماید و آن را دارای برکات و ثمرات فراوانی می‌داند: هیچ بنای در اسلام محبوب‌تر از تشکیل خانواده نیست. (عاملی، ۱۴۱۲: ۱۴) در مذمت سریچی از این مهم می‌فرماید: «بدترین شما بی‌همسران شما بیند؛ دو رکعت نماز متأهل از هفتاد رکعت نماز بی‌همسر بهتر است»؛ (صدقه، ۳: ۳ / ۳۸۴) ضمن آنکه تشکیل خانواده را موجب لذات دنیوی و اخروی می‌داند؛ (عاملی، ۱۴۱۲: ۱۴) بر تکریم و احترام همسر نیز تأکید کرده و می‌فرماید: «کسی که همسری انتخاب می‌کند، باید او را احترام کند و منزلت او را حفظ نماید»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۲۲ / ۱: ۱۴۱۳) پیامبر اکرم^۴ تشکیل خانواده و زندگی مشترک بر مدار اخلاق را موجب سعادت، نیک‌بختی و بهدست آوردن ثمرات و نتایج والای مادی و معنوی می‌داند و این نشانه اهمیت فوق العاده و نگاه همه‌جانبه و جامع در اسلام، نسبت به زندگی مشترک است. خواجه نصیر در باب تکریم همسر به تأثیر روان‌شناختی آن اشاره کرده و براین نظر است که تکریم و احترام همسر سبب می‌شود تا او به امور منزل اهتمام ورزیده، همسر خود را همراهی کند تا نظام مطلوب و رضایت زناشویی حاصل شود. (طوسی، ۱۳۸۹: ۲۲۱)

از طرفی هنگامی که انسان به این باور برسد که زندگی اش منحصر به این دنیا نیست بلکه سرای دیگری در پیش دارد که اصل است. همه اعمالش در آنجا سنجیده می‌شود و نظام پاداش و جزا بر آن جاری است و در محضر کسی روزگار می‌گذراند که از تمام اسرار درونی وی آگاه است. این اعتقاد او را به‌سوی رعایت ارزش‌های اخلاقی در همه زمینه‌ها از جمله

در ارتباط با همسر و وفاداری نسبت به او وامی دارد، در این بینش، زندگی این جهانی انسان از جمله زندگی خانوادگی، در کنار اجزای دیگر هستی و حیات آن جهانی انسان نگریسته و تفسیر می‌شود.

در این رویکرد هریک از همسران می‌آموزند که نقش‌ها و تکالیف فردی مرد و زن، نه تنها در سعادت دنیوی آنان تأثیرگذار است، بلکه حیات آخرتی آنان را نیز متأثر می‌سازد. او درمی‌باید که در قبال زندگی چندروزه دنیایی اش حسابرسی می‌شود و در پیشگاه عدل الهی قرار دارد؛ پس باید در محضر روبی، شرط بندگی و عبودیت را رعایت کند. بدین ترتیب رفتارش را در ابعاد مختلف وجودی، به عنوان مثال، بعد جنسی در چارچوب شرع تنظیم می‌کند و بر تمایلات و خواهش‌های نفسانی خود در آشکار و نهان مسلط می‌شود؛ زیرا بدليل شرایط زیستی خاص خود، در همه مراحل زندگی، حتی با وجود همسر و فراهم بودن شرایط کامل ارضاء، به عفاف و توان خودمهارگری نیاز دارد؛ این امر در روایت این گونه بیان شده است: کسی که ازدواج کند نصف دینش را حفظ می‌کند، پس در نصف دیگر و باقی‌مانده، تقوای الهی پیشه کند. (کلینی، ۳۶۵ / ۲: ۳۳۹)

چنین نگرشی به مرگ نه تنها حس مسئولیت را در انسان بیش از پیش برانگیخته کرده و باعث می‌شود که او از فشارهایی که در طریق انجام این مسئولیت‌ها متحمل می‌شود، رنج نبرد، بلکه از آنها استقبال نیز می‌نماید. در این نگاه، تلاش انسان برای راحتی و آرامش همسر، حفظ و نگهبانی کانون گرم خانواده، صبر بر اخلاق همسر و رنج فرزند کشیدن، همگی به مثابه مجاهدت در راه خدا، برای تعالی وجود و سعادت ابدی است که در پرتو ازدواج حاصل می‌شود. رسول اکرم ﷺ خدمت به خانواده را جزو خصلت‌های اولیای الهی توصیف می‌کند. از این‌رو در سفارش خویش به امیر مؤمنان علیؑ می‌فرماید: «یا علی! به خانواده خود خدمت نمی‌کند مگر صدیق یا شهید یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او می‌خواهد». (شعیری سبزواری، ۱۴۱۴: ۲۷۶) همچنین به زن و مردی که در نامالیات زناشویی و در مقابل اخلاق و رفتار ناپسند همسر، صبور و شکیبا باشند، وعده داده که خداوند اجر و پاداشی همانند اجر و پاداش آسیه (برای زن) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۳ / ۲۴۷) و ثوابی را که به ایوب ﷺ در قبال گرفتاری اش داد (برای مرد) (صدوق، ۴۰۰: ۳۳۹) به او خواهد داد.

بنابراین بسیاری از چالش‌های امروز جوامع در حوزه خانواده، همچون بی‌بندوباری جنسی، خیانت‌های همسران به هم، روابط دختر و پسر، سقط جنین، طلاق، توجه به اشرافگری و دیدگاه صرفاً لذت‌گرایانه به ازدواج و زندگی و افزایش دیدگاه‌های فمینیستی که از غرب، شروع شده و به جوامع دیگر نیز رخنه کرده است، در مرحله اول به سبب نگاه مادی گرایانه و تفسیر نادرست از هستی و انسان است.

شایان ذکر است که صرف توجه به اصل تکامل و معاد، جهت تأثیربخشی و کارکرد تربیتی آن در ابعاد مختلف زندگی از جمله در سازگاری زناشویی کافی نیست، آنچه لازم است در این‌مورد، همسران آن را داشته باشند، یک زندگی معنوی همراه با یک نگرش نیرومند، تصحیح شده و از لحاظ اخلاقی ارزشمند است. به همین‌دلیل قرآن ضمن تأکید بر ایمان، همواره بر ملازمه آن با عمل صالح اصرار دارد. (یونس / ۹؛ بقره / ۶۲؛ نحل / ۹۷) و یادآور می‌شود که چنین عملی همواره از آب زلال ایمان سیراب می‌گردد.

علامه طباطبائی، می‌فرماید: هرگاه علم به چیزی موجب عمل به آن شود، ایمان ظاهر می‌شود. بنابراین معلوم می‌شود که تنها صرف علم به چیزی و یقین به اینکه حق است، در حصول ایمان کافی نیست و صاحب آن علم را نمی‌شود مؤمن به آن چیز دانست بلکه باید به علم خود عمل کند. (طباطبائی، ۱۴۱۲: ۱۸ / ۲۵۹) تا در زندگی و رفتارهای فرد اثربخشی لازم را داشته باشد، نظر غزالی نیز در این‌باره قابل تأمل است:

بدان که مرگ، امری هولناک است و مراحل بعد از آن بسی عظیم و هولناک‌تر. مردم به‌خاطر به یاد نیاوردنش از آن غافل هستند. کسانی هم که آن را متذکر می‌شوند با قلبی پاک و خاطری آسوده و بی‌آلایش آن را یادآوری نمی‌کنند، بلکه با قلبی مشغول به آرزوهای نفسانی و تمایلات دنیوی آن را به یاد می‌آورند، لذا یاد مرگ در قلب آنان هیچ اثری نمی‌گذارد.

بنابراین راه یاد مرگ آن است که شخص، قلب خود را از هرچیزی غیر از یاد مرگی که در بین دو دست او است، فاغ و خالی نماید و فقط درباره آن بیندیشید، به مانند کسی که تصمیم گرفته است، سفر طولانی را در دریا و یا خشکی انجام دهد و درباره آن فکر می‌کند، مسلماً در چنین حالتی آنچه بر دل او غلبه یافته و او را به خود مشغول ساخته است، تفکر درباره این سفر و آماده شدن برای آن است و بس. (غزالی، ۱۳۸۷: ۱۸)

بدین ترتیب هرچند توجه به مرگ و مرگ‌اندیشی در همه نظامهای فکری وجود دارد و تأثیری که مرگ‌اندیشی به سمت وسوی زندگی دارد، مورد توجه فلاسفه و متکلمان و البته عارفان قرار گرفته است به‌گونه‌ای که حتی صاحب شاعرانه‌ترین اندیشه‌ها مثل تولستوی، یا صاحب بی‌رحمت‌ترین افکار فلسفی مانند شوپنهاور معتقد‌نده که اگر مرگ نبود، کمترین سؤال از معناداری زندگی، بی‌وجه و پایه بود و مولوی نیز از این واقعه به «عروسوی ابد» یاد می‌کند. نکته بسیار مهم این است که در معنادار کردن زندگی و تأثیر بر کیفیت آن تنها از کسانی ساخته است که منش آنها در زندگی، خالی از صدق نیست. (بابائی، ۱۳۸۲: ۱۶۸ و ۱۷۸)

براساس اخلاق اسلامی، زن و مردی که به اختیار و اراده خویش با هم پیمان زناشویی می‌بنند، با تشکیل خانواده برای رشد و تکامل یکدیگر و به دست آوردن سکینه و آرامش اقدام می‌کنند و آنچه ضرورت دارد فقط تشکیل خانواده نیست بلکه هریک از همسران در جهت نیل به آرمان‌های پیش‌گفته و به منظور حفظ اهداف کانون مقدس خانواده، وظایف و مسئولیت‌هایی را بر عهده دارند که با انجام آنها در راستای خرسنده و رضایت یکدیگر گام برمی‌دارند. تأمل در متون اسلام نشان می‌دهد این احساس رضایت و خوشبختی همان اصل آرامش و سکون، مودت و رحمتی است که در آیات قرآن از اهداف والای ازدواج و از ارکان اخلاقی مهم سبک زندگی همسران معرفی شده است: «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد». (روم / ۲۰)

مودت، آن انس روحانی و محبت از اعمق قلب و اعتماد و اطمینان هریک از زن و مرد به یکدیگر است. (سید قطب، ۱۴۱۵ / ۵) هرچه انسان به عنوان عضوی از هستی هدفمند و تکامل‌جو، در مراتب کمال بالاتر رود و به مدارج والاتری از ایمان برسد، مودت و رحمتش نسبت به همسر و خانواده بیشتر می‌شود؛ چنان‌که امام صادق[ؑ] فرموده‌اند: «من گمان نمی‌کنم که مردی ایمانش افزون شود و محبتش به همسرش افزون نشود». (عاملی، ۱۴۱۲: ۹ / ۱۴) همچنین پیامبر اکرم[ؐ] می‌فرمایند: «نیکوترین مردمان در ایمان، خوش‌خلق‌ترین و مهربان‌ترین ایشان با اهل خود است و من از تمام شما نسبت به خانواده‌ام مهربان‌ترم». (صدوق، ۱۳۷۸ / ۲: ۳۸)

بنابراین انسان مسلمان علاوه بر داشتن نظام بینشی قوی و جهان‌بینی صحیح و دائمی (در این مقاله به طور خاص بینش صحیح نسبت به هستی و مقوله مرگ «معدابواری») در صورتی می‌تواند در ابعاد مختلف زندگی از جمله زندگی مشترک به موفقیت و رضایتمندی دست یابد که دائماً به حفظ و مراقبه نگرش، جهان‌بینی و ایمان خود یا به تعییر علم روان‌شناسی، سازگاری نگرشی اقدام نماید تا بتواند به مرحله از «خود فراروندگی» یا غیر دوستی (مطهری، ۳۷۷: ۲۴۸ و ۳۹۷) در جهت کامل کردن قابلیت انسانی و اجتناب از خودمحوری تعالی یابد و این توانایی، خود منجر به مهارت برقراری رابطه سالم و همسویی مسالمت‌آمیز او با دیگران شود و از آنجاکه این سطح انطباق، خود، زیر بنای عملکرد خانوادگی است؛ سبب می‌شود تا به طور خاص سازگاری زناشویی در زندگی مشترک به وقوع بپیوندد.

نتیجه

نظام فکری اسلام با پذیرش اصل هدفمندوبدن هستی، تفسیر جهان و انسان را با توجه به غایت آفرینش آنها ممکن می‌داند. در این نگاه، نظام آفرینش و خلقت انسان و جهان، بر طرح پیشین و برنامه‌ای هدفمند استوار شده است (دخان / ۳۸ و صد البته همگوئی یا ناهمگوئی موجودات و اختلاف در ظرفیت‌ها و امکانات، همگی در طرح کلی هستی، جایگاهی و پژوه دارند).

نوع نگاهی که فرد به هستی و به سرانجام حیات خود دارد، دایره‌ای خاص از بینش‌ها و باورهای او را شکل می‌دهد که این باورها اگر همراه با مراقبه و هضم نشدن در روزمرگی‌های دنیای مادی و از سر صدق در عمل باشد، بهنوبه خود تأثیر بسزایی در نگاه او به امر ازدواج و به همسر دارد، بنابراین باعث می‌شود تا جهت‌گیری‌های عاطفی و رفتار با همسر، چه در مرحله انتخاب و چه در زندگی مشترک، منطبق با چهارچوب پذیرفته شده ذهنی یا به عبارت دیگر، حوزه شناختی‌اش باشد.

بنابراین در حوزه شناختی، زندگی این جهانی انسان از جمله زندگی خانوادگی، درکنار اجزای دیگر هستی و حیات آن جهانی انسان، تگریسته و تفسیر می‌شود و این نگرش خاص همراه با ملازمه رفتاری حاصل از آن، منجر به بالا رفتن سازگاری و

۱. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَذْوَاجًا لِتَسْتَكُونُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ لَيْتَنَّكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً.

سطح انطباق در فرد می‌شود که از ویژگی‌های شخصیت بهنجار بوده و بهنوبه خود سازگاری زناشویی را نیز دربرمی‌گیرد؛ چراکه ایجاد رضایت از زندگی در مسیر کمال، برای اطرافیان بهخصوص همسر، بهطور قطع از لوازم چنین نگرشی خواهد بود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ۱۳۷۸ق، عيون اخبار الرضا، ج ۲، مصحح مهدی لاجوردی، تهران، جهان.
۳. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ۱۴۰۰ق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوقد.
۴. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳ق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، النشر الاسلامی.
۵. اتکینسون، ریتل و دیگران، ۱۳۷۱، زمینه روان‌شناسی، ترجمه محمد تقی براهنی، تهران، رشد.
۶. اوامونو، میگل د، ۱۳۸۰، درد جاوداگی، ترجمه بهاء الدین خوشماهی، تهران، تاهید.
۷. بابائی، رضا، ۱۳۸۲، «ازندگی به روایت مرگ»، نقد و نظر، ش ۲۹ - ۳۰.
۸. برنشتاین، فیلیپ اچ، مارسی تی برنشتاین، ۱۳۷۷، شناخت و درمان اختلاف‌های زناشویی، ترجمه حمید رضا سهرابی، تهران، رسا.
۹. پورمقدس، علی، ۱۳۵۶، روان‌شناسی سازگاری، تهران، مشعل.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۶۳، ده مقاله پیرامون مبدأ و معاد، تهران، الزهراء.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۵، تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج ۴، تهران، رجا.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، نسبت دین و دنیا، تحقیق، سعید بندعلی، قم، اسراء.
۱۳. حرعاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۲ق، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تصحیح عبدالرحیم الربانی الشیرازی، ج ۱۴، بیروت، داراجیاء التراث العربي.
۱۴. خدایاری‌فرد، محمد و دیگران، ۱۳۸۶، «رابطه نگرش مذهبی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متاهل»، خانواده‌پژوهی، سال سوم، ش ۱۰.
۱۵. روزنهان، دیوید ال و مارتین. ای. بی سلیگمن، ۱۳۷۹، روان‌شناسی تابهنجاری، ترجمه یحیی سید محمدی، ج ۱، تهران، ساوالان.
۱۶. ساعتچی، محمود، ۱۳۶۸، اصول روان‌شناسی، تهران، امیر کیمر.
۱۷. سی گاتری، دبلیو، ۱۳۷۸، سفراط (زندگی، شخصیت، دیدگاه‌های فلسفی)، ترجمه حسن فتحی، تهران، فکر روز.
۱۸. شریعتمداری، علی، ۱۳۷۹، غلسه (وسائل فلسفی، مکتب‌های فلسفی، مبانی علوم)، تهران، فرهنگ اسلامی.
۱۹. شعیری سبزواری، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، جامع الاخبار، تحقیق موسسه آل‌الیت، قم، مؤسسه آل‌الیت.
۲۰. شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا)، ۱۳۸۶، ترجمه شواهد الرویویه، همراه با حواشی حکیم ملاهادی سبزواری، ترجمه علی بابایی، تهران، مولی.
۲۱. شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا)، ۱۹۸۱م، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، ج ۳ - ۱، بیروت، دار احياء التراث العربي.
۲۲. شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا)، بی‌تا، اسفار الاربعه، قم، منشورات مصطفوی.
۲۳. طباطبائی، محمد حسین، ۱۴۱۲ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶ و ۱۸، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲۴. طوسی، محمد بن محمد نصیرالدین، ۱۳۸۹، اخلاق ناصری، به کوشش سیاوش خوشدل، تهران، فراهانی.
۲۵. عظیمی، سیروس، ۱۳۷۰، اصول روان‌شناسی عمومی، تهران، صفار.
۲۶. غزالی، محمد، ۱۳۸۷، مختصر احیاء علوم الدین، ترجمه محمد صالح سعیدی، سندج، کردستان.
۲۷. فرانکل، ویکتور، ۱۳۶۶، پژشک و روح، ترجمه فرش سیف بهزاد، تهران، ویس.
۲۸. قطب، سید محمد، ۱۴۱۵ق، نمی‌ضلال القرآن، ج ۵، بیروت، دار الشروق.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، الکافی، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۳۰. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بخار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج ۱، ۱۳ و ۱۰۳، بیروت، مؤسسه الوفاء.
 ۳۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، تعالیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا.
 ۳۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، مجموعه آثار، تهران، صدرا.
 ۳۳. مطهری، مرتضی، بی تا، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، تهران، صدرا.
 ۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۹، معاد و جهان پس از مرگ، قم، سوره.
 ۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 ۳۶. مؤمن‌زاده، فرید و محمدعلی مظاہری، محمد حیدری، ۱۳۸۴، «ارتباط تفکرات غیرمنطقی و الگوهای دلستگی با سازگاری زناشویی»، فصلنامه خانواده پژوهی، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۴.
37. Agate ST, Zabriski RB, Eggett D.L, 2007, *Praying, playing and successful families.marriage fam Rev*, 42 (2).
38. Ahn, Song, Ju, 2006, *An investigation of the relationship between marital adgustmen and ministry satisfaction among pastores of the Korean evangelical church of American denomination*, Ph.D Dissertation, Biola university.
39. Bussing, A., Ostermann, T., Matthiessen, D.F., 2005, *Role of religion and spirituality in medical patients*, confirmatory result with the SPREUK questionnaire Helth QAL Life Feb 10, 3(1).
40. Coombs, Robert, 1991, *Martin Status & personal wel-being: A literature Review*, family Relation.
41. Corkery S, Curran M, Parkman A., 2011, *Spirituality, sacrifice and relationship quality for expectant cohabitators*, Marriage Fam Rev., 47(6).
42. Demaris A, Mahoney A, Pargament KI, 2010, *Sanctification of marriage and general religiousness as buffers of the effects of marital inequity*, J Fam Issues.; 31(10).
43. Durana, C., 1997, *Enhancing marital intimacy through psycho education: the Pairs program*.
44. Gongm M., 2000, Does status inconsistency matter for marital quality? *Journal of Family Issues*, 28 (12).
45. Gottman, J.M., 1993, A theory of marital dissolution and stability, *Journal of Family Psychology*, 7 (1).
46. Graham, Jr, Patrick J., 2011, *An investigation of the relationship between religion and marriage on self-reported health*, B.A, ouisinana Tech University.
47. Grief, A.P., 2000, Charactersics of families flunction well, *Journal of Family Issues*.
48. Hillman, M., 2004, *Viktor E. Frankl's Existential Analysis and logotherapy*, W. Miles cox and Eric klinger (eds) Handbook of Motivational counseling: concepts, approaches and assessment, John Wiley & sons.
49. Koening , H. G., 2004, Spirituality, Wellness, and Quality of Life, *Journal of Sexuality, Reproduction and Menopause*, 2, 2.
50. Lambert NM, Dollahit DC, 2008, *The threefold cord: Marital commitment in religious couples*, J Fam Issues.29(5).
51. Lambert, N.M., & Dolahite, D.C., 2006, *How religiosity helps couples prevent, resolve, and overcome marital conflict*, Family Relations, vol. 55.
52. Mahoney, A., Pargament, K.I., Murray-Swank, A.B., & Murray-Swank, N, 2003, *Sanctification of family relationships*, Review of Religious Research, vol. 44.
53. Marsh.R., Dallos, R. , 2001, *Roman catholic couples*, Wrath and religion.Fam orocess.Fall40(3).
54. Pargament, K.L, & Mahoney, A., 2005, Sacred matters: Sanctification as a vital topic for the psychology of religion, *International Journal for the Psychology of Religion*, vol. 15.
55. Schumacher, J.A, Leonard, K.E, 2005, Hasbands & Wives martial adjustment, verbal aggression & Physical aggression & as longitudinal predictors of physical aggression in early marriage, *Journal of consulting & clinical psychology*.
56. Sternberg. R.J., 1987, *Liking versus loving: A comparative evaluation of theories. Psychological Bulletin*.
57. Sullivan,K.T., 2001, *Understanding the relationship between religiosity and marriage: an investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newly wed couples*, Gournal of family Psychology,15(4).
58. Yalcin, B.M. & Karaban, T.F., 2007, Effect of a couple communication program on marital adjustment of the American, *Boordoffamily medicine*, 20.
59. Zohar D, Marshall I., 2012, *Sprituall intelligences, The ultimate intelligence*, Bloomsbury Publishing.

